



بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان (مطالعه موردی: نوجوانان پسر ۱۳ تا ۱۹ سال شهر آزادشهر)

آذر اسکندری چراتی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۱۲/۲۰

چکیده

بزهکاری نوجوانان با آثار منفی روانی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یکی از مسائل مهم اجتماعی ایران است. زیرا ایران از نظر ساختار جمعیتی کشوری با جمعیت نوجوان و جوان است. هدف این مقاله جستجو درباره بررسی عوامل مؤثر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر بزهکاری نوجوانان پسر ۱۳-۱۹ ساله شهر آزادشهر می باشد. تا با انجام چنین مطالعاتی در شهرهای دیگر زمینه برای اظهار نظر درباره جامعه ایران فراهم شود. این مطالعه با رویکرد تحلیلی توصیفی از نوع پیمایشی و با کمک آزمون‌های همبستگی t ، f و رگرسیون خطی چندگانه انجام گرفته است. پرسشنامه‌ها میان ۳۹۸ نوجوان در محلات جرم خیز توزیع گردید و پس از تأیید روایی به روش محتوایی و پایایی پرسشنامه‌ها به کمک آلفای کرونباخ که برابر ۰/۸۰۸ برای پرسشنامه اول و برابر ۰/۸۳ برای پرسشنامه دوم می‌باشد، هشت آزمون مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با بزهکاری نوجوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد. در این بین، متغیرهای فقر اقتصادی خانواده، یادگیری اولین بزه و اختلافات خانوادگی رابطه مستقیم و معنی‌دار و متغیرهای میزان تحصیلات، نظارت خانواده و فضای فرهنگی در جامعه رابطه معکوس و معنی‌داری با بزهکاری نوجوانان دارد و همچنین متغیر تعداد اعضاء خانواده با بزهکاری نوجوانان رابطه ندارد. همچنین نتایج مطالعه از رگرسیون چندگانه خطی نشان می‌دهد که متغیر اختلافات خانوادگی با ضریب ۰/۳۰۶، متغیر فقر اقتصادی خانواده با ضریب ۰/۲۷۱ و متغیر یادگیری اولین بزه با ضریب ۰/۲۶۶ رتبه‌های اول تا سوم و متغیر فضای فرهنگی جامعه با ضریب تأثیر ۰/۰۹۷ کمترین مقدار تأثیر در بین عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان را داراست.

کلید واژه‌ها

معضلات اجتماعی، نوجوانان، بزهکاری، آزادشهر

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران. (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

جوامع بشری در هر شرایطی به همزیستی مسالمت آمیز با هم‌نوعان خود نیازمند هستند. آنچه مسلم است تا امروز به دلیل اختلافات زیر بنایی و ریشه‌ای مختلفی از جمله در مسائل عقیدتی، فرهنگی و مذهبی و در عین حال تفاوت‌هایی که در معیارهای سنجش ارزش‌ها در حیطه‌های گوناگونی وجود داشته، یک توافق و تفاهم عمومی و جهان شمول استقرار نیافته است (انصاری، ۱۳۹۱: ۳۵). وانگهی، تمام انسان‌ها از هر قوم و قبیله، نژاد و مذهب، دین و عقیده اتفاق نظر دارند که یکی از محوری‌ترین اعمال فردی و اجتماعی، تربیت و هدایت درست کودکان برای آینده می‌باشد. اقدامی که شرط ضروری و انکار ناپذیر رشد و ترقی جامعه‌ی انسانی تلقی می‌شود. نوجوانان سرمایه‌های معنوی جامعه می‌باشند و سلامت روح و جسم آن‌ها تضمین‌کننده‌ی سلامت جامعه در آینده است (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۶۷). بنابراین مسائل آنان از جمله مسائلی است که باید به آن‌ها توجه ویژه‌ای مبذول داشت. از سویی، پیشرفت و ترقی هر جامعه‌ای در گرو سلامتی آن جامعه از هر نظر می‌باشد، لذا تحقیق در مورد پدیده بزهکاری نوجوانان بسیار رهگشا برای علت‌یابی جرائم و خطاها می‌باشند تا از این طریق بتوان کمبودها و نارسائی‌ها را دریافت و در صدد رفع این مشکلات اقدام نمود. همچنین می‌توان تأکید بر این نکته کرد که از این طریق شاید بتوان مشکلات جامعه و خصوصاً نسل نوجوان که می‌توان گفت حساس‌ترین نقطه انعطاف‌پذیر یک جامعه است را به نحوی رفع نمود تا آنجا که بتوان از این راه یک استراتژی برای پیشبرد اهداف علمی و فرهنگی جامعه اتخاذ نمود.

بزهکاری از جمله رفتارهای ناسازگارانه‌ای است که از نوجوانان سر می‌زند. گرچه در نگاه اول بزه پدیده‌ای فردی به نظر می‌رسد ولی با توجه به پیامدهای سوء آن برای جامعه باید آن را از جمله آسیب‌های اجتماعی به حساب آورد. بزهکاری به عنوان یکی از معضلات اجتماعی فراگیر در سطح جهان مطرح است که در ایران نیز در سال‌های اخیر کارشناسان و رسانه‌ها نسبت به بحرانی شدن این مسئله هشدار داده‌اند (اشرف، ۱۳۹۳: ۱۷۶).

از سویی دیگر، نوجوانی که آن را تولد دوم نامیده‌اند، مشخصه دورانی از زندگی انسان است که از سال‌های کودکی و حمایت بی‌چون و چرای خانواده فاصله می‌گیرد و بزرگسالی استقلال عملی را تجربه می‌کند. هیجانات نوجوانی و پیامدهای روحی و روانی این دوره بقدری است که متخصصان علوم رفتاری این سال‌ها را با عباراتی نظیر دوران طوفان و فشار، دوران منفی و زندگی تشنج‌آمیز توصیف می‌کنند (روزن باوم، ۱۳۸۷: ۲۴۵). علاوه بر آن شکل‌گیری شخصیت نوجوانان در ۱۳ الی ۱۹ سالگی و طی فرآیند بلوغ جسمی و فکری بر حساسیت‌های این دوره

می‌افزاید و شناسائی مشخصات و اتخاذ راهکارهای مناسب برای هدایت و تسهیل آن را ضروری می‌سازد.

از این رو، یکی از مسائلی که نه تنها ذهن خانواده‌ها بلکه افکار کارشناسان اجتماعی را به خود معطوف کرده است، روند رو به رشد بزهکاری نوجوانان در جامعه است. ارائه آمارهای رو به افزایش در رسانه‌ها و روئیت به وضوح این نوجوانان بزهکار در معابر عمومی، بر نگرانی‌ها بیش از پیش دامن می‌زند و تبعات منفی آن به عنوان یک عارضه و آسیب اجتماعی، تاثیر بسیار نا مطلوبی بر جامعه می‌گذارد (صادقی فرد، ۱۳۹۴: ۱۲۴). بدین ترتیب، موضوع فوق یکی از موضوعات روز هر جامعه‌ای می‌باشد تا با بررسی عوامل مؤثر بر انحرافات اجتماعی، هدایتگران و مدیران اجرایی جامعه بتوانند ریشه بسیاری از کج‌روی‌ها و نا بهنجاری‌ها را بشناسند و با اتخاذ روش‌های علمی و روانشناسی و استفاده از نتایج تحقیقات گذشته، در این زمینه جامعه را به سوی آرامش و امنیت سوق دهند.

۲- مبانی نظری

بزه، اولین پدیده‌ای است که با تجمع افراد به دور یکدیگر و شکل گرفتن جامعه بوجود می‌آید، زیرا گرد هم آمدن افراد موجب سرپیچی از برخورد های گوناگونی بین آنها شده و به همین دلیل دستورات و مقرراتی پدید می‌آید تا قدری آزادی افراد را به سود جامعه مقید گرداند و حدود هر یک از افراد جامعه مشخص شود (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۷۷). بررسی‌های جرم شناسی نشان می‌دهد که هر معلولی، علتی دارد و هیچ چیز به خودی خود به وجود نمی‌آید، بنابراین هر جرمی هم دارای علل سازنده‌ای است که بر روی فرد اثر می‌گذارد و او را بسوی ناسازگاری و نابهنجاری سوق می‌دهد (هاینی، ۲۰۱۱: ۵۸).

اگر با دیدی جامعه‌شناسانه به این پدیده نگریسته شود بزهکاری را می‌توان به منزله یک بیماری اجتماعی تلقی نمود که باید معالجه شود. مسلماً برای مبارزه با هر مرضی باید ابتدا آن را شناخت و به زمینه‌های پیدایش آن پی‌برد، سپس بیمار را نجات‌دار و از بروز دوباره این عارضه پیشگیری نمود. چنانچه بزهکاری یک عارضه و آسیب اجتماعی تلقی شود، لذا «قشر نوجوان» به عنوان یکی از اقشار آسیب‌پذیر جامعه در معرض ابتلا به این عارضه هستند یا به نوعی از آن دچار شده‌اند (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۹۸). بزهکاری اصولاً از مجموعه‌ای از جرایمی به وجود می‌آید که در یک زمان و مکان معین به وقوع می‌پیوندد و به همین جهت زمانی که مورد بررسی قرار می‌گیرند، در حقیقت کلیه پدیده‌های اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، سیاسی،

مذهبی، خانوادگی و ... یک جامعه عمیقاً مورد مطالعه واقع می‌شوند. بدین ترتیب علت بروز بزهکاری معمولاً علت واحدی نیست، بلکه همیشه چندین علت دست به دست یکدیگر داده و باعث بروز بزه در افراد می‌شوند (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

۲-۱- عوامل تأثیرگذار بر بزهکاری نوجوانان

الف) عوامل اجتماعی: جامعه شناسان به عوامل مستقیم و غیر مستقیم محیط و تراکم جمعیت، وضع سکونت، آلودگی هوا و غیره توجه کرده‌اند. نقش شرایط اجتماعی و تعارضاتی که در چارچوب آن به وقوع می‌پیوندد، انکار ناپذیر است. به همین دلیل نه می‌توان بزهکاری را تنها بر اساس عوامل اجتماعی بررسی کرد و نه یافته‌های مستقل این زمینه قبلی همواره هماهنگ است. بررسی‌ها نشان می‌دهد وقتی که در جامعه‌ای ثبات و پایداری اجتماعی وجود نداشته باشد، جامعه در شرایط دشواری چون شورش، جنگ یا انقلاب باشد و یا پاره‌ای شرایط غیر عادی و ناسازگاری عمومی در جامعه رواج داشته باشد، میزان بزهکاری رو به افزایش می‌گذارد و به عکس، هر قدر جامعه به سوی پایداری سوق داده شود، میزان بزهکاری کاهش می‌یابد (ساکر و همکاران، ۲۰۰۵).

ب) طبقه اقتصادی: فقر یکی از عوامل مهم از انواع انحرافات از جمله دزدی و انحراف جنسی در مردم، به ویژه اطفال و نوجوانان است. فقر، بی‌گمان به وجود آورنده سختی‌ها و ناملایماتی است که اگر نتوان با آنها مبارزه کرد، خواه ناخواه انسان را به زانو در می‌آورد. بیشتر محرومیت‌ها و برآورده نشدن تمایلات که موجب عدم اطمینان اجتماعی می‌شود، ناشی از عامل فقر است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. بیکاری، کمبود مواد غذایی و پوشاک، بی‌سوادی و عقب افتادگی، جهل و خرافات، عدم بهداشت کافی و انواع بیماری‌های روحی و جسمی، جنگ‌ها و خونریزی‌ها، ریشه در نیازهای مادی و ترس از فقر دارد. فقدان مسکن، زندگی در زاغه‌ها، سوء تغذیه و بهداشت ناکافی نیز که با فقر، ارتباط دارند، از عوامل اقتصادی مهم بزهکاری به شمار می‌آیند (شامبیانی، ۱۳۸۹: ۲۱۱).

ج) روابط والدین و نوجوان: مهم‌ترین عامل مؤثر در بزهکاری، می‌تواند روش تربیتی نادرست یا اختلال در شبکه ارتباطی خانواده باشد. تقریباً تمام پژوهش‌ها نشان داده‌اند، والدینی که با کودکان خود مهربان نیستند، بیشتر احتمال دارد که فرزندان بزهکار داشته باشند. افزایش احتمال بزهکاری در خانواده‌هایی وجود دارد که والدین از روش‌های انضباطی بسیار سخت گیرانه یا بسیار بی‌بندوبار و فریبنده استفاده می‌کنند، شیوه انضباطی به جای آنکه مبتنی بر استدلال باشد، مبتنی بر تنبیه بدنی است (گیدنز، ۱۳۸۸: ۲۱۵). والدین نسبت

به فرزندان خود به جای آنکه گرم و صمیمی و عاطفی باشند، بی‌توجه، غافل و تمسخرکننده هستند. آشکار شده است که کودکان بزهکار رابطه بسیار ضعیفی با پدران خود داشته و آنها را به عنوان الگوهای غیر قابل پذیرش ارزیابی می‌کنند. خانواده‌های کودکان بزهکار اغلب فاقد پدر بوده و یا پدر غیبت طولانی دارد، در حالی که بزهکاری با جدایی و طلاق در خانواده همبستگی دارد. همچنین ثابت شده است که داشتن مشکلاتی در مدرسه با بزهکاری رابطه بالایی دارد و والدینی که از مشکلات عاطفی رنج می‌برند، آنهایی که سابقه جنایی دارند بیشتر احتمال دارد که کودکان بزهکار داشته باشند (والد، ۲۰۱۲).

د) نقش دوستان و همسالان: همانند سازی شدید با همسالان با وابستگی به آنها، صرف نظر از طبقه اجتماعی-اقتصادی، عامل مهمی در بزهکاری است. نوجوانی که توسط والدینشان طرد می‌شوند، برای کسب حمایت و تأیید به سوی همسالان کشانده می‌شوند. چنین نوجوانانی در مدرسه ضعیف هستند و به دنبال افرادی می‌گردند که مانند خودشان باشند؛ از این رو احتمال دارد که دست به اعمال ضد اجتماعی زنند و هم‌دیگر را برای این اعمال مورد تشویق قرار دهند. اکثر بزهکاران در پاسخ به این سوال که بزه را از چه کسی فرا گرفته‌اند، دوستان خود را نام برده‌اند که این مسئله توجه بیشتر والدین و مربیان را به کنترل و نظرات بر دوستان فرزندان و مربیان می‌طلبد (روشه، ۱۳۸۳:۱۲۶).

۲-۲- بررسی تئوری‌ها و نظریات بزهکاری

در مورد رفتارهای انحرافی نظریات مختلفی وجود دارد که هر کدام بر اساس فرض‌ها و یافته‌های خود به بررسی این اعمال می‌پردازند. در این زمینه می‌توان به سه رویکرد عمده یعنی روانشناسی و جامعه‌شناسی اشاره کرد. ابتدا روانشناسی انحراف را مرور می‌کنیم و سپس نظریات جامعه‌شناسی انحراف را مورد بررسی قرار می‌دهیم که عبارتند از: نظریه فشار ساختاری، نظریه برچسب یا عکس‌العمل اجتماعی، نظریه انتقال فرهنگی و نظریه کنترل اجتماعی.

نظریه‌های روانشناختی، کجروی را عکس‌العملی نسبت به مشکلات شخصیتی می‌داند. اطلاق عناوین «دیوانه»، «مریض» و امثال آن به افراد کجرو حاکی از مرتبط دانستن ناهنجاری با خصوصیات شخصیتی و روانشناختی است. زیگموند فروید شخص «روان رنجور» را حاصل توسعه نیافتگی و نقصان «خود برتر» دانسته و آن را نیز معلول «جامعه پذیری» غیر طبیعی در دوران کودکی می‌شمارد (دور کیم، ۱۳۸۳: ۱۵۶). اغلب تئوری‌های روانشناسی بر آنند که در

فرایند اجتماعی شدن فرد منحرف و معمولاً در رابطه بین والدین و فرزند، نقصان وجود داشته است. این نقصیه شامل ناراحتی عاطفی است که به تشکیل خصلت‌های شخصیتی کژ سازگار منتهی می‌شوند. گفته می‌شود که تجارب دوران کودکی می‌تواند تأثیر دیرپای در رفتار دوران بلوغ و بزرگسالی داشته باشد. جان بولبی استدلال می‌کند که کودک نیازهای دارد و مهمترین نیاز او امنیت عاطفی است که مؤثرترین وجه ممکن می‌تواند با رابطه صمیمانه‌ای که بین مادر و فرزند برقرار می‌شود، تامین گردد. چنانچه کودک به ویژه در اوان کودکی از عشق مادری محروم شود این امکان وجود دارد که به شخصیت روان‌رنجور مبتلا گردد. افراد روان‌رنجور معمولاً بون تأمل و اندیشه عمل می‌کنند، بندرت احساس می‌کنند و در مقابل مجازات و درمان واکنش چندانی نشان نمی‌دهند (تورنر و همکاران، ۲۰۱۰).

هانس آزیگ معتقد است که بین ویژگی‌های شخصیتی که جنبه ژنتیک دارند و رفتار انحرافی، رابطه‌ای وجود دارد. وی مدعی است که بین خصایص شخصیتی از قبیل برون‌گرایی با رفتار جنایی رابطه وجود دارد. یک فرد برون‌گرا ماجراجوست، مغرور است، سریعاً واکنش نشان می‌دهد و بدون تأمل و اندیشه عمل می‌کند. برعکس، شخصیت درون‌گرا که شخصیتی آرام و کنترل شده است (چانگ و استینبرگ، ۲۰۰۶).

آلبرت باندورا و ریچارد والترز گفته‌اند که هم تنبیهات بدنی مستمر و هم بی‌مبالاتی زیاد در کنترل رفتار پسران جوان توسط والدین به بزهکاری جوانان می‌انجامد، توسط والدین به بزهکاری جوانان می‌انجامد، به نظر آنان، پسرانی که اغلب توسط پدران خود کتک می‌خورند به کنترل‌های خارجی متکی می‌شوند، یعنی در انجام هر عملی به جای آنکه اساس تصمیمات خود را بر احساس درونی خود از درستی و نادرستی آن عمل بگذارند بیشتر احتمال به دام افتادن را محاسبه می‌کنند. از سوی دیگر پسرانی که همیشه و در مقابل هر نوع عملی با تأیید و تشویق والدین مواجه بوده‌اند، با این ذهنیت رشد یافته‌اند که هر چه بکنند پسندیده و مقبول است (گس، ۱۳۹۲: ۲۸۹).

از سویی دیگر، نظریات جامعه‌شناختی انحراف خود به شش بخش عمده تقسیم می‌شود که در اینجا به بررسی و ارزیابی هر یک از نظریات پرداخته می‌شود:

الف) نظریه فشار ساختاری

این نظریه که بر اساس تفکرات مرتون پایه‌ریزی شده است بر آن است که انحراف از ساختار و فرهنگ جامعه سرچشمه می‌گیرد. وی استدلال خود را با معیار توافق جمعی درباره ارزش‌ها آغاز می‌کند و معتقد است که تمام اعضای جامعه در ارزش‌های مشترک سهیم‌اند. اما

از آنجایی که اعضای جامعه از لحاظ ساختارهای اجتماعی در موقعیت‌های مختلفی قرار می‌گیرند، برای درک ارزش‌های مشترک از فرصت‌های مساوی برخوردار نیستند. چنین وضعی ممکن است موجب انحراف شود. به بیان مرتون ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه برای رفتار منحرف اجتماعی مردمی که در جایگاه‌های مختلفی قرار گرفته‌اند، ایجاد فشار می‌کند. به خاطر شکاف‌های ساختی از نظر اجتماعی بین آرزوها (اهداف مشترک) و دستیابی واقعی (دسترسی به ابزار اجتماعی برای رسیدن به این اهداف) آنومی (بی‌هجاری) در نظام اجتماعی ایجاد شده است. مرتون پنج شیوه عمل یا انطباق را مطرح می‌کند، اولین شیوه هم‌نوا و چهار شیوه دیگر که از عدم قبول وسایل یا هدف‌های قانونی یا هر دو آنها حاصل می‌شود، انحراف به شمار می‌رود. ساخت فرصت موقعیت‌های اجتماعی را که در سه دسته هم‌نوا، منحرف، ناهم‌نوا، سازمان یافته شامل می‌شود (صفوی، ۱۳۸۸: ۱۹۵).

مرتون در تحلیل خود نشان می‌دهد که چگونه فرهنگ و ساختار جامعه موجب انحراف می‌شود. تأکید بیش از حد بر هدف‌های فرهنگی در جامعه آمریکایی که به قیمت زیرپا گذاشتن راه‌های متعارف کسب موفقیت تمام می‌شود، تمایل برای ایجاد انحراف فشار وارد می‌سازد، فشاری که با توجه به پایگاه شخص در ساختار اجتماعی متفاوت است. همچنین شیوه واکنش شخص در مقابل این فشار به پایگاه او در طبقه اجتماعی بستگی خواهد داشت. مرتون انحراف را بر حسب ماهیت جامعه تبیین می‌کند، نه ماهیت فرد منحرف (برولدت، ۲۰۱۵).

به نظر مرتون هرگاه فردگرایی مفرط غالب شود و تنها هدف کسب موفقیت باشد، دگرگونی ظرفی اتفاق خواهد افتاد. در این حال قواعد و مقررات غیر رسمی توانایی خود را برای نظام بخشیدن از دست می‌دهند، مجازات‌های نهادی شده که ابزارهای نظم اجتماعی هستند، اثر بخشی خود را از دست می‌دهند و همه افراد به مهارت و کاردانی شخصی خود باز می‌گردند فردیت جای مشارکت اجتماعی را می‌گیرد، آن همان نتایجی است که بعضی جامعه‌شناسان آنرا ویرانگر «وحدت اجتماعی» می‌نامند.

(ب) نظریه برچسب

نظریه برچسب یا عکس‌العمل اجتماعی تأکید می‌کند که از طریق برچسب زدن یک عمل به عنوان منحرف زنجیره‌ای از حوادث را به حرکت در می‌آوریم که فرد را به سوی انحرافات بزرگتری می‌راند و بالاخره به آغوش یک تشکیلات و ساختار زندگی انحرافی می‌اندازد (هورتون و هانت، ۱۹۸۴). از نظر گروهی از نویسندگان، نظریه عکس‌العمل اجتماعی نشان می‌دهد که

چگونه یک عمل انحرافی شروع یک سلسله وقایعی است که الگوی انحراف را عمیق تر و قابل قبول تر کرده است. (وليام چمبلیس، ۱۹۷۳) از تئوری برچسب برای توضیح برداشت‌ها و تعاریف متفاوت که اعضای جامعه از رفتار دو گروه نوجوانان ارائه می‌دهند، استفاده می‌کند. او فعالیت‌های گروه سینتر که یک گروه تبه‌کار سفید پوست ۸ نفره از پسران طبقه بالا بودند و گروه رافنکز یک گروه تبه‌کار سفید پوست ۶ نفره از پسران طبقه پایین را مورد مطالعه قرار داد. گرچه اعمال بزهکارانه گروه اول مشابه اعمال گروه دوم بود ولی همیشه گروه دوم بود که درگیر مشکلات می‌شد و به عنوان منحرف شناخته شده بود (صادقی فرد، ۱۳۹۴: ۲۱۱).

چمبلیس چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «اجتماع به گروه رافنکز به عنوان پسران شرور نگاه می‌کند. پسران این برداشت را می‌پذیرند و الگوهای رفتار بزهکارانه را در پیش می‌گیرند. یک تصور از خود به عنوان منحرف بدست می‌آورند و دوستانی برای خود انتخاب می‌کنند که این تصور از خود را تأیید می‌کنند، هر چه بیگانگی و جدایی آنها از جامعه بیشتر می‌شود آزادی آنها در ابراز بی‌احترامی و خشونت در مقابل نمایندگان و جامعه قانونی بیشتر می‌شود و همین بی‌احترامی نظر منفی اجتماع را افزایش داده و فرایند ارتکاب جرم را تداوم می‌بخشد (هاکان و فورستر، ۲۰۰۳)

ج) نظریه انتقال فرهنگی

گابریل تارد (۱۹۰۴-۱۸۴۳) تئوری تقلید را برای توضیح انحراف مطرح کرد. تارد شدیداً تحت تأثیر این مسأله قرار گرفته بود که تکرار چه نقش چشم‌گیری در رفتار انسان بازی می‌کند. او می‌گوید که مجرمین نظیر آدم‌های «خوب» شیوه‌های افرادی را که ملاقات کرده، شناخته یا در باره‌شان شنیده‌اند، تقلید می‌کنند ولی برعکس مردمی که تابع قانون هستند آنها از دیگر مجرمین تقلید می‌کنند (دور کیم، ۱۳۸۳: ۳۵۷).

شاو و مک‌کی اصطلاح «منطقه بزهکاری» را ابداع کردند و می‌گویند که در محله‌های فقیرنشین شهرها، رفتار بزهکارانه یک الگوی عادی است. در چنین مناطقی جوانان ارزش‌ها و رفتارهای کجرو را یاد می‌گیرند و درونی می‌کنند و در نتیجه جوانان بزه‌کار می‌شوند زیرا آنها با افرادی دوستی و نزدیکی می‌کنند که خود بزه‌کار و منحرف بوده‌اند (اشرف، ۱۳۹۳: ۱۴۲). رفتار مجرمانه از طریق ارتباط و همنشینی با الگوهای جنایی که در دسترس و قابل قبول بوده و در محیط زندگی فرد (محیط فیزیکی و اجتماعی) مورد تشویق می‌باشد، آموخته می‌شود.

د) نظریه کنترل اجتماعی

نظریه پردازان کنترل اجتماعی فرض می‌کنند که یک نظام هنجاری وجود دارد و از این نظام است که انحرافات بیرون می‌آید و اینکه اکثر مردم با ارزش‌های مسلط و حاکم هم‌نوا هستند، علتش وجود کنترل‌های درونی و بیرونی است. کنترل‌های درونی، عبارتند از هنجارهای درونی شده و ارزش‌هایی که فرد آنها را می‌آموزد. در این مورد نظریه پردازان کنترل با نظریه پردازان اجتماعی شدن هم‌فکر هستند. کنترل‌های بیرونی پاداش‌های اجتماعی به خاطر هم‌نوايي و مجازات‌های اجتماعی به خاطر انحرافات است که فرد دریافت می‌کند. این نظریه بر این نکته تأکید دارد که علقه ای فرد را به جامعه پیوند می‌دهد (گس، ۱۳۹۲: ۳۲۱).

این نظریه هم‌نوايي را حاصل وجود پیوندهای اجتماعی بین افراد جامعه و اعمال انواع کنترل از طرف جامعه بر افراد دانسته و ناهم‌نوايي را ناشی از گسستن پیوندهای شخص با نظم قراردادی جامعه می‌داند. تراوس هیرشی معتقد است که کجروی معلول ضعف و یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است. هیرشی بحث می‌کند که ضرورتی ندارد انگیزه برای بزهکاری را توضیح دهیم زیرا «ما همگی موجوداتی هستیم که همه به طور طبیعی قادر به ارتکاب اعمال جنایی هستیم». او می‌گوید افرادی که با گروه‌های دیگر مثل خانواده، مدرسه و گروه همسالان رابطه قوی و محکمی دارند، کمتر احتمال دارد مرتکب اعمال بزهکارانه شوند او چهار حلقه اجتماعی را مطرح کرد، که عبارتند از عقیده یا باور، دلبستگی و تعلق، تعهد و مشغولیت. همچنین تأثیرات وابستگی به والدین، مدارس و گروه همسالان را روی اعمال بزهکارانه گزارش شده، تحلیل می‌کند و در می‌یابد که بدون توجه به نژاد و طبقه و بدون توجه به بزهکاری دوستان، پسرانی که شدیداً وابسته به والدین شان هستند که کمتر احتمال دارد مرتکب اعمال بزهکارانه شوند، بدین ترتیب، هر چقدر دلبستگی بین والدین و فرزند ضعیف شود، شدت بزهکاری فرزند نیز بیشتر خواهد شد (روشه، ۱۳۸۳: ۶۹).

۳- ابزار و روش تحقیق

به عقیده صاحب‌نظران روش تحقیق، مجموعه‌ای از قواعد، ابزار و راه‌های معتبر و نظام یافته برای بررسی واقعیت‌ها، کشف مجهولات و دستیابی به راه حل مشکلات است (خاکی، ۱۳۸۸: ۱۷۱). روش تحقیق از نوع توصیفی که یکی از روش‌های تحقیق توصیفی، تحقیق همبستگی است که در این پژوهش از آن استفاده شده است در این نوع تحقیق رابطه میان متغیرها بر

اساس هدف تحقیق تحلیل می‌گردد (سرمد و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۴۷)، این تحقیق از نظر هدف تحقیق کاربردی و از نظر نوع توصیفی - پیمایشی و همبستگی می‌باشد. جامعه آماری ما در این تحقیق، کلیه نوجوانان ۱۳ الی ۱۹ سال شهر آزادشهر به تعداد ۳۰۵۳ نفر می‌باشد. حجم نمونه مطابق جدول کرجسی و مورگان ۳۹۸ نفر می‌باشد و برای نمونه‌گیری از جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. همچنین، مرحله گردآوری اطلاعات آغاز فرایندی است که طی آن محقق یافته‌های میدانی و کتابخانه‌ای را گردآوری می‌کند. در این تحقیق، محقق از روش پرسشنامه‌ای^۱ استفاده کرده است. روش پرسشنامه‌ای یکی از متداول‌ترین روش‌های جمع‌آوری داده‌ها در تحقیقات میدانی و جامعه‌شناسی است که برای طراحی سئوالات و پاسخ‌ها بر مبنای طیف لیکرت^۲ استفاده می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۷۸)، بدین ترتیب از دو پرسش‌نامه استفاده شده است. پرسش‌نامه اول که شامل متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بود شامل ۳۵ سوال و ۷ بعد (فقر اقتصادی خانواده، نظارت والدین، میزان تحصیلات نوجوانان، تعداد اعضای خانواده، یادگیری اولین بزه، اختلافات خانوادگی، وجود فضاهای فرهنگی) و می‌باشد که توسط محقق ساخته شده است و پرسشنامه دوم، پرسشنامه استاندارد آیتی (۱۳۹۳) است که شامل ۱۵ سؤال در مورد بزهکاری نوجوانان می‌باشد.

در این تحقیق روائی پرسشنامه به روش محتوایی انجام گرفته است. بدین صورت که سئوالات پرسشنامه مطابق با فرضیه‌های پژوهش طرح گردید و پس از رویت چند تن از صاحب نظران، مناسب بودن آن نتیجه شد. همچنین برای آزمایش پایایی می‌توان از علم آمار کمک گرفته و با استفاده از روش آلفای کرونباخ پایایی پرسشنامه را تعیین نمود، پایایی پرسشنامه‌های توزیع شده بین نوجوانان با استفاده از نرم افزار آماری SPSS19 و ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از پرسشنامه‌ها بطور جداگانه محاسبه گردید که برای پرسشنامه متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برابر ۰/۸۰۸ و برای پرسشنامه بزهکاری نوجوانان برابر ۰/۸۳۰ بدست آمد و نتیجه‌گیری شد که پرسشنامه‌ها از پایایی لازم برخوردار می‌باشند که در جدول شماره ۱، آورده شده است.

بدین ترتیب، در ابتدا و در بخش آمار توصیفی به توصیف جامعه آماری پرداخته و در ادامه با توجه به توزیع متغیرهای تحقیق در جامعه، از ضرایب همبستگی برای آزمون فرضیات و

¹ Questionnaire method

² Liker Spectrum

جهت یافتن ضریب تأثیر هر متغیر از رگرسیون چندگانه خطی استفاده شده است.

جدول شماره ۱: نتایج سنجش پایایی پرسشنامه

ردیف	پرسشنامه	نوع	ابعاد	تعداد سوال	ضریب آلفای کرونباخ
۱	پرسشنامه اول	محقق ساخته	فقر اقتصادی خانواده	۶ سوال	۰/۷۷
۲			نظارت والدین	۶ سوال	۰/۸۱
۳			میزان تحصیلات نوجوانان	۴ سوال	۰/۸۲
۴			تعداد اعضای خانواده	۳ سوال	۰/۸۷
۵			یادگیری اولین بزه	۵ سوال	۰/۷۵
۶			اختلافات خانوادگی	۶ سوال	۰/۸۰
۷			وجود فضاهای فرهنگی	۵ سوال	۰/۸۴
۸	پرسشنامه دوم	استاندارد	بزهکاری نوجوانان	۱۵ سوال	۰/۸۳

۴- یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در دو محور یافته‌های توصیفی و استنباطی بیان می‌شود. بدین ترتیب یافته‌های توصیفی در جدول ۲ نشان داده شده است که در آن متغیر یادگیری اولین بزه بیشترین میانگین و متغیر میزان تحصیلات، کمترین آن را در بین عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. همچنین بیشترین پراکندگی در متغیر فقر اقتصادی خانوار و کمترین آن در متغیر میزان تحصیلات در بین عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد.

جدول ۲: توصیف متغیرهای تحقیق

متغیر	مینیمم	ماکسیمم	میانگین	واریانس	انحراف معیار
وجود فضاهای فرهنگی (مستقل)	۱۲/۰۰	۳۰/۰۰	۲۶/۹۴۵	۴۱/۱۵۲	۶/۴۱۵
فقر اقتصادی خانواده (مستقل)	۷/۰۰	۳۰/۰۰	۲۲/۴۶۷۱	۹۳/۷۲۱	۹/۶۸۱
نظارت والدین (مستقل)	۵/۰۰	۲۰/۰۰	۱۴/۷۶۹۷	۳۹/۲۵۰	۶/۲۶۵
میزان تحصیلات (مستقل)	۳/۰۰	۱۵/۰۰	۱۱/۶۷۱۱	۲۲/۳۹۱	۴/۷۳۲
تعداد اعضای خانواده (مستقل)	۵/۰۰	۲۵/۰۰	۱۸/۴۷۳۷	۵۰/۵۹	۷/۱۱۳
یادگیری اولین بزه (مستقل)	۶/۰۰	۳۰/۰	۲۴/۰۹۲۱	۶۵/۳۰۲	۸/۰۸۱
اختلافات خانوادگی (مستقل)	۵/۰۰	۲۵/۰۰	۱۴/۵۵۲۶	۵۹/۱۰۵	۷/۶۸۸
بزهکاری نوجوانان (وابسته)	۲۵/۰۰	۷۵/۰۰	۴۸/۳۴۲۱	۱۳۱/۴۴۶	۱۱/۴۶۵

۴-۱- آزمون نرمالیت

در ابتدا به منظور استفاده از آزمون‌های آماری به بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای مورد آزمون از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده می‌کنیم.
 H_0 : داده‌ها دارای توزیع نرمال می‌باشند. H_1 : داده‌ها دارای توزیع نرمال نمی‌باشند.

جدول ۳: نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف متغیرهای تحقیق

متغیر	سطح معنی داری (sig)	نتیجه آزمون
بزهکاری نوجوانان (وابسته)	۰/۲۶۰	توزیع داده‌ها نرمال است
فقر اقتصادی خانواده (مستقل)	۰/۰۹۹	توزیع داده‌ها نرمال است
نظارت والدین (مستقل)	۰/۰۵۱	توزیع داده‌ها نرمال است
میزان تحصیلات (مستقل)	۰/۰۷۰	توزیع داده‌ها نرمال است
تعداد اعضای خانواده (مستقل)	۰/۰۸۱	توزیع داده‌ها نرمال است
یادگیری اولین بزه (مستقل)	۰/۶۸۳	توزیع داده‌ها نرمال است
اختلافات خانوادگی (مستقل)	۰/۰۶۴	توزیع داده‌ها نرمال است
وجود فضاهای فرهنگی (مستقل)	۰/۰۸۷	توزیع داده‌ها نرمال است

با توجه به جدول شماره ۳، سطح معنی داری (Sig.) آزمون کولموگروف - اسمیرنوف متغیرهای تحقیق بزرگ‌تر از ۰/۰۱ می‌باشد. بنابراین فرضیه H_0 تایید می‌شود یعنی توزیع داده‌ها در این نمونه آماری نرمال است، به همین علت برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های پارامتری پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده می‌شود.

۴-۲- آزمون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی: بین متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بزهکاری نوجوانان پسر ۱۳ الی ۱۹ سال شهر آزادشهر رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۴: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بزهکاری نوجوانان

متغیرها	متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی	بزهکاری نوجوانان	سطح معناداری (sig)	فراوانی
متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی	۱	۰/۶۸۱	۰/۰۰۰	۳۹۸
بزهکاری نوجوانان	۰/۶۸۱	۱	۰/۰۰۰	۳۹۸

بر اساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۴، بین متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بزهکاری نوجوانان در سطح ۹۹ درصد ($\text{Sig.} < 0/01$) رابطه معنادار و مستقیم ($r > 0$) وجود دارد و ضریب همبستگی بین متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بزهکاری نوجوانان ۱۳ الی ۱۹ سال شهر آزادشهر ($r = 0/681$) می‌باشد.

فرضیه فرعی اول: بین فقر اقتصادی خانواده و بزهکاری نوجوانان پسر ۱۳ الی ۱۹ سال شهر آزادشهر رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۵: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین فقر اقتصادی خانواده و بزهکاری نوجوانان

متغیرها	فقر اقتصادی	بزهکاری نوجوانان	سطح معناداری (sig)	فراوانی
فقر اقتصادی	۱	۰/۶۸۹	۰/۰۰۷	۳۹۸
بزهکاری نوجوانان	۰/۶۸۹	۱	۰/۰۰۷	۳۹۸

بر اساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۵، بین فقر اقتصادی خانواده و بزهکاری نوجوانان در سطح ۹۹ درصد رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین نظارت والدین و بزهکاری نوجوانان پسر ۱۳ الی ۱۹ سال شهر آزادشهر رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۶: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین دو متغیر نظارت والدین و بزهکاری نوجوانان

متغیرها	نظارت والدین	بزهکاری نوجوانان	سطح معناداری (sig)	فراوانی
نظارت والدین	۱	-۰/۵۹۲	۰/۰۴۲	۳۹۸
بزهکاری نوجوانان	-۰/۵۹۲	۱	۰/۰۴۲	۳۹۸

بر اساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۶، بین نظارت والدین و بزهکاری نوجوانان در سطح ۹۵ درصد رابطه معنادار و معکوسی ($r < 0$) وجود دارد.

فرضیه فرعی سوم: بین تعداد اعضای خانواده و بزهکاری نوجوانان پسر ۱۳ الی ۱۹ سال شهر آزادشهر رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۷: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین تعداد اعضای خانواده و بزهکاری نوجوانان

متغیرها	تعداد اعضای خانواده	بزهکاری نوجوانان	سطح معناداری (sig)	فراوانی
تعداد اعضای خانواده	۱	۰/۴۴۶	۰/۰۶۳	۳۹۸
بزهکاری نوجوانان	۰/۴۴۶	۱	۰/۰۶۳	۳۹۸

براساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۷، بین تعداد اعضای خانواده و بزهکاری نوجوانان در سطح ۹۵ درصد رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه فرعی چهارم: بین یادگیری اولین بزه و بزهکاری نوجوانان پسر ۱۳ الی ۱۹ سال شهر آزادشهر رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۸: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین یادگیری اولین بزه و بزهکاری نوجوانان

متغیرها	یادگیری اولین بزه	بزهکاری نوجوانان	سطح معناداری (sig)	فراوانی
یادگیری اولین بزه	۱	۰/۷۴۳	۰/۰۰۱	۳۹۸
بزهکاری نوجوانان	۰/۷۴۳	۱	۰/۰۰۱	۳۹۸

بر اساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۸، بین یادگیری اولین بزه و بزهکاری نوجوانان در سطح ۹۹ درصد رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

فرضیه فرعی پنجم: بین میزان تحصیلات نوجوانان و بزهکاری نوجوانان پسر ۱۳ الی ۱۹ سال شهر آزادشهر رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۹: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین میزان تحصیلات نوجوانان و بزهکاری نوجوانان

متغیرها	تحصیلات نوجوانان	بزهکاری نوجوانان	سطح معناداری (sig)	فراوانی
تحصیلات نوجوانان	۱	-۰/۷۳۲	۰/۰۰۰	۳۹۸
بزهکاری نوجوانان	-۰/۷۳۲	۱	۰/۰۰۰	۳۹۸

بر اساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۹، بین میزان تحصیلات نوجوانان و بزهکاری نوجوانان در سطح ۹۹ درصد رابطه معنادار و معکوس وجود دارد.

فرضیه فرعی ششم: بین اختلافات خانوادگی و بزهکاری نوجوانان پسر ۱۳ الی ۱۹ سال شهر آزادشهر رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۱۰: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین اختلافات خانوادگی و بزهکاری نوجوانان

متغیرها	اختلافات خانوادگی	بزهکاری نوجوانان	سطح معناداری (sig)	فراوانی
اختلافات خانوادگی	۱	۰/۶۸۹	۰/۰۰۰	۳۹۸
بزهکاری نوجوانان	۰/۶۸۹	۱	۰/۰۰۰	۳۹۸

بر اساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۱۰، بین اختلافات خانوادگی و بزهکاری نوجوانان در سطح ۹۹ درصد رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد.

فرضیه فرعی هفتم: بین فضاهای فرهنگی و بزهکاری نوجوانان پسر ۱۳ الی ۱۹ سال شهر آزادشهر رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۱۱: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین فضاهای فرهنگی و بزهکاری نوجوانان

متغیرها	فضاهای فرهنگی	بزهکاری نوجوانان	سطح معناداری (sig)	فراوانی
فضاهای فرهنگی	۱	-۰/۸۵۲	۰/۰۰۰	۳۹۸
بزهکاری نوجوانان	-۰/۸۵۲	۱	۰/۰۰۰	۳۹۸

بر اساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۱۱، بین فضاهای فرهنگی و بزهکاری نوجوانان در سطح ۹۹ درصد رابطه معنادار و معکوس وجود دارد.

۳-۴- آزمون رگرسیون چندگانه

نتایج آزمون رگرسیون چندگانه بین ابعاد عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بزهکاری نوجوانان عبارت است از:

جدول ۱۲: نتایج آزمون رگرسیون چندگانه بین عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بزهکاری نوجوانان

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین اصلاح شده	انحراف استاندارد	آزمون دوربین-واتسون
۰/۹۰۰	۰/۸۰۹	۰/۸۰۷	۰/۲۶۴	۱/۷۲۴

براساس جدول ۱۲، ضریب تعیین اصلاح شده رگرسیون ۰/۸۰۷ می‌باشد و آماره دوربین-واتسون برابر ۱/۷۲۴ است که در محدوده ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد و بنابراین فرضیه استقلال

خطاها تایید می‌شود (یعنی می‌توان از رگرسیون استفاده کرد) و با توجه به ضریب تعیین اصلاح شده، ابعاد عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌توانند ۸۰/۷ درصد از تغییرات متغیر بزهکاری نوجوانان نوجوانان شهر آزادشهر را پیش بینی نمایند.

جدول ۱۳: نتایج آزمون واریانس بین عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بزهکاری نوجوانان

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
رگرسیونی	۱۱۳/۱۳۶	۷	۲۸/۲۸۴	۴۰۳/۲۴۲	۰/۰۰۰
باقیمانده	۲۶/۶۵۴	۳۹۱	۰/۰۷۰		
کل	۱۳۹/۷۹۰	۳۹۸			

با توجه به جدول ۱۳، مقدار F (نشان دهنده شدت تاثیر است) که از تقسیم میانگین مربعات رگرسیونی بر میانگین مربعات باقیمانده بدست می‌آید برابر با ۴۰۳/۲۴۲ است، که این مقدار با درجه آزادی ۷ در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار گردیده و این سطح از ۰/۰۵ کمتر می‌باشد. بنابراین نتیجه می‌گیریم که ابعاد عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر بزهکاری نوجوانان نوجوانان شهر آزادشهر تاثیر دارند که در جدول ۱۴، مقدار اثرگذاری هر عامل نشان داده شده است.

جدول ۱۴: ضرایب معادله خط رگرسیون بین عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بزهکاری نوجوانان

شاخص آماری	ضریب متغیر β	خطای استاندارد (Std. Error)	مقدار آماره t	سطح معناداری (Prob)
ضریب ثابت (a)	۳/۸۳۵	۰/۰۸۱	۴/۴۱۹	۰/۰۰۰
فقر اقتصادی خانواده (X1)	۰/۲۷۱	۰/۱۲۷	۲/۷۰۱	۰/۰۰۹
نظارت والدین (X2)	-۰/۳۱۸	۰/۰۴۱	-۰/۴۲۲	۰/۰۳۵
میزان تحصیلات (X3)	-۰/۱۲۱	۰/۰۷۵	-۲/۴۹۵	۰/۰۲۱
تعداد اعضای خانواده (X4)	۰/۲۱۶	۰/۷۳۶	۰/۲۷۴	۰/۷۸۱
یادگیری اولین بزه (X5)	۰/۲۶۶	۰/۰۹۰	۳/۷۷۳	۰/۰۰۰
اختلافات خانوادگی (X6)	۰/۳۰۶	۰/۰۸۶	۳/۹۹۸	۰/۰۰۰
وجود فضاهای فرهنگی (X7)	-۰/۰۹۷	۰/۰۸۹	-۶/۲۳۴	۰/۰۰۰

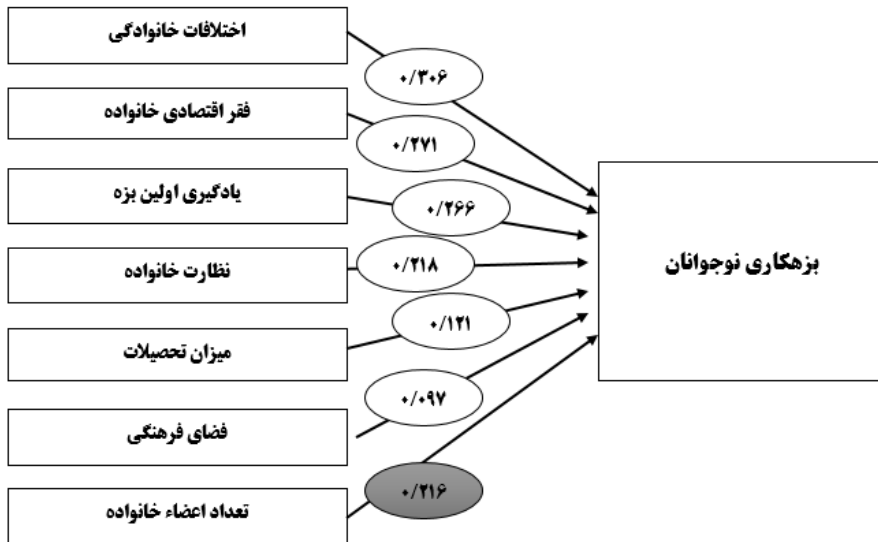
همانطور که جدول ۱۴ نشان می‌دهد، تمامی ضرایب عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به جز تعداد اعضای خانواده بر بزهکاری نوجوانان تأثیر معنی‌داری دارد. همانطور که مشخص است متغیرهای فقر اقتصادی خانواده، یادگیری اولین بزه، اختلافات خانوادگی و وجود فضاهای

فرهنگی به همراه ضریب ثابت (عرض از مبدأ رگرسیون) در سطح ۹۹ درصد و متغیرهای نظارت والدین و میزان تحصیلات در سطح ۹۵ درصد معنی دار هستند. همچنین مقادیر ضرایب می‌تواند به میزان اهمیت تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر بزهکاری نوجوانان کمک نماید که به آن ضریب شیب رگرسیون β نیز می‌گویند. در این جا ابعاد عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متغیرهای مستقل (X_i) و مولفه بزهکاری نوجوانان متغیر وابسته (Y) می‌باشد که با توجه به فرمول معادله خط رگرسیون خطی، نتیجه به صورت جدول ۱۵ می‌باشد:

جدول ۱۵: نتایج رگرسیون چندگانه خطی

معادله رگرسیون خطی:
$Y = \alpha + \beta_1 X_1 + \beta_2 X_2 + \beta_3 X_3 + \beta_4 X_4 + \beta_5 X_5 + \beta_6 X_6 + \beta_7 X_7$
نتیجه تخمین:
$Y = 3.835 + 0.271 X_1 - 0.218 X_2 - 0.121 X_3 + 0.216 X_4 + 0.266 X_5 + 0.306 X_6 - 0.097 X_7$

بنابراین مدل تحقیق با توجه به ضرایب تأثیر متغیرها که در اینجا به ترتیب مقدار تأثیر آورده شده است، در شکل ۱ آورده شده است. متغیر تعداد اعضاء خانواده همانطور که در جدول ۱۴ بیان شد، معنی دار نیست.



شکل ۱: مدل تحقیق و ضرایب تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

بدون تردید، توسعه و پیشرفت جوامع بشری، مرهون نیروی انسانی سالم، متعهد، متخصص و جوان در آن جوامع است، اما یکی از عواملی که در نابودی نیروی انسانی، به ویژه جمعیت جوان و فعال جوامع، سهم بسزایی دارد، پدیده بزهکاری است که امروزه گریبان‌گیر بسیاری از کشورها، از جمله ایران شده است.

از آنجائیکه پیشرفت و ترقی هر جامعه‌ای در گرو سلامتی آن جامعه از هر نظر می‌باشد، لذا از آنجائیکه معضلات اجتماعی، سبب می‌شود که مسئولین مربوط، به چگونگی شکل‌گیری اعمال نابهنجار شناخت پیدا کنند، آنگاه شیوه‌های صحیح و مناسب مبارزه با آنها را جستجو نمایند. لذا اینگونه مطالعات و تحقیقات ضرورت می‌یابند تا کج روی‌ها و جرایم بهتر و عمیق‌تر شناخته شود، منشاء آنها کشف گردد و بالاخره راه‌های اصلاح و بازپروری بزهکاران هموار گردد. بالاخره این قبیل کاوش‌هاست که امکان پیشگیری از ابتلاء به انحراف و سقوط استعدادها را در نیروهای انسانی بالقوه جامعه، فراهم می‌سازد و خانواده و دولت، حال و آینده کشور از خسارات مادی و معنوی فراوانی رهایی می‌یابند. با توجه به اینکه سازندگی فردای جامعه بستگی به نیروی فعال پر شور و سلامت جسمی و روحی نسل نوجوان دارد، لازم است که همه امکانات جامعه را برای پیشگیری و مبارزه و ریشه‌کن کردن بزهکاری نوجوانان کشورمان به کار بردیم.

این مطالعه با رویکرد تحلیلی توصیفی از نوع پیمایشی و با کمک آزمون‌های همبستگی به بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بزهکاری نوجوانان شهر آزادشهر پرداخته است. بدین ترتیب ۸ آزمون مورد بررسی قرار گرفت. با انجام ۸ آزمون که یکی آزمون فرضیه اصلی و ۷ فرضیه فرعی تحقیق می‌باشد، مشخص شد که بین متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی رابطه معنی‌داری وجود دارد. در این بین متغیرهای فقر اقتصادی خانواده، یادگیری اولین بزه و اختلافات خانوادگی رابطه مستقیم و معنی‌داری با بزهکاری نوجوانان پسر ۱۳ الی ۱۹ سال شهر آزادشهر دارد و متغیرهای میزان تحصیلات، نظارت خانواده و فضای فرهنگی در جامعه رابطه معکوس و معنی‌داری با بزهکاری نوجوانان پسر ۱۳ الی ۱۹ سال شهر آزادشهر دارد، همچنین متغیر تعداد اعضاء خانواده با بزهکاری نوجوانان پسر ۱۳ الی ۱۹ سال شهر آزادشهر رابطه معنی‌داری ندارد.

نتایج مطالعه حاکی از آن است که فقر اقتصادی خانواده و اختلافات خانوادگی، باعث افزایش بزهکاری در بین نوجوانان می‌شود، مشکلاتی که دامنه آن در سرتاسر جامعه پهن

می‌باشد. به عبارت دیگر با افزایش میزان نابسامانی خانواده، بزهکاری نوجوانان نیز شدت می‌یابد. این یافته پژوهش با نتایج تحقیق ساکر و همکاران (۲۰۰۵)، اندرسون (۲۰۰۲)، هاگان و فوستر (۲۰۰۳)، سرابندی (۱۳۷۶)، راهب (۱۳۸۰)، نیک اختر (۱۳۹۳) و صادقی فرد (۱۳۹۴) هماهنگ است. بنابراین پیشنهاد می‌شود که مسئولین دولتی و مملکتی به مباحث مرتبط با شرایط خانواده در جامعه از لحاظ اقتصادی و اجتماعی توجه ویژه‌ای داشته باشند. بعد اجتماعی و اقتصادی در کنار هم نشان دهنده اهمیت ویژه این دو می‌باشد که عدم شرایط هر یک برای خانواده‌ها مشکلات متعددی از قبل افزایش بزهکاران نوجوان را در جامعه پدید می‌آورد.

همچنین نتایج مطالعه نشان می‌دهد که یادگیری اولین بزه با میزان بزهکاری نوجوانان رابطه مستقیم و آری دارد که در این مطالعه یک کار جدید و نوآور است که برای اولین بار این متغیر با بزهکاری مورد سنجش قرار گرفته است.

از سویی دیگر، نتایج مطالعه حاکی از آن است که میزان تحصیلات، نظارت خانواده و فضای فرهنگی با بزهکاری نوجوانان رابطه معکوس و معنی‌داری دارند. بدین ترتیب توجه به مقوله تحصیلات و تدریس نوجوانان و نظارت خانواده به رفتارها و معاشرت‌های نوجوانان می‌تواند باعث کاهش بزهکاری در نوجوانان شود و همچنین ایجاد فضای فرهنگی در جامعه و سرگرم شدن نوجوانان با برنامه‌های علمی- فرهنگی باعث کاهش بزهکاری در نوجوانان می‌شود.

در نهایت نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تعداد اعضاء خانواده با بزهکاری نوجوانان رابطه معنی‌داری ندارد، البته این نتیجه بر خلاف مطالعه صادقی فرد (۱۳۹۴) می‌باشد که در آن نشان داد که خانواده‌های پرجمعیت از یک سو با کاهش درآمد سرانه خانواده، موجب تشدید فقر اقتصادی خانواده شده و از سوی دیگر نظارت و کنترل والدین بر فرزندان را به حداقل ممکن می‌رساند و در نهایت بستر مناسبی را برای ابتلای فرزندان به انحراف و بزهکاری فراهم می‌کند.

همچنین نتایج مطالعه از رگرسیون چندگانه خطی نشان دهنده معنی‌داری تمام متغیرهای عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر بزهکاری نوجوانان به غیر از تعداد اعضاء خانواده دارد. همچنین متغیر اختلافات خانوادگی با ضریب $0/306$ نسبت به متغیرهای دیگر بیشترین تأثیر را بر بزهکاری نوجوانان دارد، متغیر فقر اقتصادی خانواده با ضریب $0/271$ و متغیر یادگیری اولین بزه با ضریب $0/266$ رتبه‌های دوم و سوم را دارد و متغیر فضای فرهنگی جامعه با ضریب تأثیر $0/097$ کمترین مقدار تأثیر در بین عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر بزهکاری نوجوانان را داراست.

- بدین ترتیب با توجه به یافته‌ها پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
- اهتمام جدی دولت به منظور حمایت و تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های آسیب‌پذیر و تدوین قوانین لازم در جهت حفظ نظام خانواده و جلوگیری از نابسامانی و ازهم گسیختگی آن.
 - سعی و تلاش مسئولان و دست‌اندرکاران نهادهای آموزشی، فرهنگی و رسانه‌های جمعی، به ویژه رادیو و تلویزیون، جهت ارائه خدمات آموزشی مناسب، فرهنگ‌سازی و آگاهی‌دادن به والدین به منظور جلوگیری از درگیری، کش‌مکش‌ها، طلاق، اعتیاد و ... به دلیل اثرات سوء آن بر نوجوانان و جوانان.
 - توجه جدی والدین در جهت تقویت روابط دوستانه، محبت‌آمیز و به دور از تبعیض با فرزندان؛ این امر کانون خانواده را به محیطی آرام و سرشار از مهر و محبت تبدیل کرده و نقش بسزایی در افزایش احساس تعلق و دل بستگی نسبت به خانواده دارد. همچنین از گرفتارشدن این گونه فرزندان در دامان دوستان ناباب و بزهکار جلوگیری کرده و سرانجام ارتکاب رفتار بزهکارانه آنان را به حداقل ممکن می‌رساند.
 - ارائه خدمات مشاوره‌ای و مددکاری رایگان به نوجوانان و جوانان آسیب‌دیده و در معرض آسیب و همچنین برقراری ارتباط منطقی و متعهدانه با خانواده آنان، به منظور شناسایی و اقدام در جهت خشکانیدن ریشه‌های آسیب‌ها و نابسامانی‌های خانواده.
 - آموزش والدین به منظور جامعه‌پذیری صحیح فرزندان در مواجهه با موقعیت‌های بحرانی و دشوار زندگی، وظایف، مسئولیت‌ها و تصمیم‌گیری صحیح آنان.
 - نظارت و کنترل صحیح و منطقی والدین بر رفت و آمد و معاشرت فرزندان با سایر افراد و اطلاع یافتن از این که دارای چه دوستان و هم‌سالانی هستند.
 - نتایج تحقیق نشان داد که فقر اقتصادی خانواده در گرایش نوجوانان و جوانان به بزهکاری مؤثر است. بنابراین به منظور جلوگیری و کاهش بزهکاری در سطح جامعه، دولت باید در جهت مهار تورم، رفع مشکلات اقتصادی و بهبود وضع معیشتی اعضای جامعه، به ویژه اقشار محروم و آسیب‌پذیر جامعه، تلاش کند و همچنین درصد اشتغال آنان برآید، نه این که با اقداماتی کوتاه مدت فقط به تسکین فقر در جامعه بسنده کند.

منابع و ماخذ

۱. احمدی، حبیب، «جامعه شناسی انحرافات»، انتشارات سمت تهران، چاپ بیست و یکم، ۱۳۹۵.
۲. اشرف، احمد، «کژ رفتاری و مسایل انسانی و آسیب‌شناسی اجتماعی»، مجموعه گفتارهای درسی، تهران، انتشارات آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی، ۱۳۹۳.
۳. انصاری، نصراله، «تحلیل بزهکاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۴۵، سال دوازدهم، ۱۳۹۱.
۴. توسلی، غلام عباس، «نظریه‌های جامعه شناسی»، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
۵. حافظ نیا، محمد رضا، «مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی»، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۷.
۶. روزن باوم، هایدی، «خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه»، ترجمه محمد صادق مهدوی، مرکز نشر دانشگاهی تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۷.
۷. چلبی، مسعود، «جامعه شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری اجتماعی»، انتشارات نشرنی تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۹.
۸. دور کیم، امیل، «قواعد روش جامعه شناسی»، ترجمه علی محمد کاردان، دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۳.
۹. روشه، گی، «جامعه شناسی تالکوت پارسنز»، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان تهران، چاپ دهم، ۱۳۸۳.
۱۰. ساروخانی، باقر، «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده»، انتشارات سروش، چاپ نوزدهم، ۱۳۹۳.
۱۱. ستوده، هدایت الله، «جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران»، ناشر مؤسسه ندای آریانا تهران، ۱۳۸۶.
۱۲. ستوده، هدایت الله، «مقدمه‌ای بر آسیب شناسی اجتماعی»، مؤسسه انتشارات آوای نور تهران، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۰.
۱۳. شامبیانی، هوشنگ، «بزهکاری اطفال و نوجوانان»، انشارات پیام تهران، ۱۳۸۹.
۱۴. صادقی فرد، مهدی، «عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان پسر به بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن»، فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، شماره شانزدهم، سال پنجم، ۱۳۹۴.

۱۵. صدیق، رحمت الله، «تحلیل نظریه‌های مربوط به کجروی‌های اجتماعی»، نشریه علوم تربیتی، فصلنامه علمی و پژوهشی دانشکده علوم تربیتی، سال بیست و یکم شماره ۱: ۶۶-۵۵، سال بیست و یکم، ۱۳۸۹.
۱۶. صفوی، امان الله، «تئوری‌های انحراف و رشد آموزش علوم اجتماعی»، انتشارات آموزش و پرورش تهران، ۱۳۸۸.
۱۷. کوزر، لیویسن، «زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی»، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی تهران، ۱۳۸۶.
۱۸. گسن، ریموند، «مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی»، ترجمه مهدی کی نیا، انتشارات مترجم تهران، ۱۳۹۲.
۱۹. گیدنز، آنتونی، «جامعه‌شناسی»، ترجمه یوسف اباذری، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی تهران، ۱۳۸۸.
۲۰. محمدی اصل، عباس، «بزهکاری نوجوانان و نظریه انحراف اجتماعی»، نشر علم تهران، ۱۳۸۵.
21. Anderson, A. L. (2002), Individual and Contextual Influences on Delinquency: The Role of The Single-Parent Family, *Journal of Criminal Justice*, 30, 575-587
22. Baerveldt, C.; Rossem, R. V.; Vermande, M. & Weerman, F. (2015), Students' Delinquency and Correlates With Strong and Weaker Ties: A Study of Students' Networks in Dutch High Schools, *Connections*, 26 (1), 11-28.
23. Chung, H. L. & Steinberg, L. (2006), Relations Between Neighborhood Factors, Parenting Behaviors, Peer Deviance, and Delinquency Among Serious Juvenile Offenders, *Developmental Psychology*, Vol. 42, No. 2, 319-331.
24. Farrington, D. P., (1998), Predictors, causes, and correlates of male youth violence, In *Youth Violence (Crime and Justice: A Review of the Research, Volume 24)*. (pp. 421-475).
25. Hagan, J. & Foster, H. (2003), S/He's a Rebel: Toward a Sequential Stress Theory of Delinquency And Gendered Pathways to Disadvantage in Emerging Adulthood, *Social Forces*, 82, 53-86.
26. Hay. Carter (2001) "Parenting, Self-Control, and Delinquency: A test of self-control theory", *Criminology*, Vol 39, No 3.
27. Haynie, D. L. (2011), Delinquent Peers Revisited: Does Network Structure Matter?, *American Journal of Sociology*, Vol. 106, No. 4, 1013-57.
28. Hoffmann, J. P. (2003), A Contextual Analysis of Differential Association, Social Control, and Strain Theories of Delinquency, *Social Forces*, 81(3): 753-758.
29. Sakir, O.; Aydin, E.; Remzi, O.; Yasar, T. & Suleyman, G. (2005), Juvenile Delinquency in A Developing Country: A Province Example in Turkey, *International Journal of Law and Psychiatry*, 28, 430-441.
30. Turner. Michael G, Piquero. Alex, R. (2010). "The Stability of Self- Control", *Journal of Criminal Justice*, No30.
31. Vold, George, et al. (2012). *theoretical criminology*, New York, Oxford university press, Fifth edition.